



**نمایشگاه نقاشی حمید جلی در شیراز**

حمید جلی این روزها فاصله زیادی از سینما و تلویزیون گرفته و سرگرم کارهای هنری دیگری است. او برای برپایی یک نمایشگاه نقاشی با عنوان «ستم و دیوو آشنایان» راهی شهر شیراز شده و البته همزمان در انتظار ورود «خطرات سپریچه شصت‌ساله» به‌عنوان تازه‌ترین کتابش به بازار کتاب است. احتمالا این کتاب در نیمه دوم مهر ماه وارد بازار می‌شود تا حمید جلی در ماه تولد خود، دور ویداد هنری را رقم زده باشد. او البته سال‌ها تجربه عکاسی در تئاتر دارد. سال ۹۶ نمایشگاه نقاشی را با نام «کلبوس‌های شیرین» در گالری «آبتین» و سال ۹۷ نیز نمایشگاه عکس خود را با نام «ماسوله ۹۷» در همین گالری برپا کرده بود.

**هیجان انگیز**

فیلمساز کودک درباره وضع تولیدات این حوزه به «شهروند» توضیح می‌دهد  
**آیا دوران طلایی سینمای کودکان به پایان رسیده است؟**

۴ هزینه‌های کم‌رشد تولیدات تلویزیونی دلیل کاهش آثار کودک

**نورا بیگ** | این روزها همه می‌گویند که روزهای اوج سینما و برنامه‌های تلویزیونی کودک و نوجوان به سر رسیده است. البته نظر تازه‌ها می‌گویند که روزهای در این سال‌ها بارها چوب برنامه‌های تلویزیونی و سینمایی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در حوزه‌های کودک و نوجوان بالای سر تولیدات جدید برای کودکان بوده، اما آیا واقعا این‌طور است؟ اگر جواب بله است، دلایل آن چیست؟ شاید ناگفته پیدا باشد که مردم، کودکان و حتی فیلمسازان امروز دیگر مثل سال‌های پس از جنگ و انقلاب نیستند و شرایط فرهنگی و اجتماعی این‌روزها هم مثل آن زمان نیست. نکته‌هایی که حسین قناعت، کارگردان فعال در حوزه سینمای کودک و نوجوان هم‌زمان با هفته کودک در گفت‌وگو با «شهروند» به آنها اشاره دارد. او البته کاهش تولیدات تلویزیونی را تایید می‌کند، اما معتقد است که وضع سینما آن‌طور که گفته می‌شود سیاه و تاریک نیست: «تلویزیون عملا در این سال‌ها تولید کارهای حوزه کودک را کم کرده و سال‌هاست برنامه‌سازی می‌کند که شاید یکی از دلایل آن هزینه‌بر بودن تولید فیلم و سریال برای صداوسیما باشد، در حالی که برنامه‌سازی نسبت به آن راحت‌تر است. اما درباره سینما معتمد وضع کاملا متفاوت است. در چند سال اخیر عرضه فیلم‌های سینمایی حوزه کودک و نوجوان و استقبال از آنها نسبت به گذشته بهتر شده است. امسال مسئولان بنیاد فارابی کمک کردند پنج فیلم حوزه کودک و نوجوان تا شب عید اکران شود، ضمن این‌که ظاهرا قرار است هر سال یک فیلم کودک و نوجوان هم سرگروهی یکی از سینماها را داشته باشد.» او درباره تفاوت برنامه‌های امروز با دیروز که حالا تبدیل به نوستالژی هم شده است، می‌گوید: «درباره فعال بودن دهه ۶۰ باید به تفاوت‌های جامعه امروز با آن روزها اشاره کرد. به‌رحال شرایط مردم در آن زمان و حتی در سال‌های پس از جنگ با شرایط حالا فرق می‌کند و اصلا قابل مقایسه نیست. در آن زمان ما فقط دو کانال تلویزیونی داشتیم و مثل حالا انواع فیلم، سریال‌های ایرانی و خارجی و کانال‌های مختلف در دسترس مردم نبود. بنابراین بچه‌های امروز و امکانات آنها نسبت به گذشته تفاوت دارد و طبیعتا فضای فیلمسازی و تولیدات سرگرمی‌ساز برای آنها هم تفاوت‌های زیادی نسبت به گذشته خواهد داشت.»

البته نظر مرضیه برومند هم درباره دلایل افول آثار حوزه کودک نسبت به گذشته تقریبا شبیه حسین قناعت است. او دیروز به ایسنا گفت: «شرایط با ۳۰ سال قبل خیلی تفاوت دارد؛ حتی مشکلات نیز فرق کرده، اگر چه برخی مشکلات آن دوران همچنان وجود دارد. در گذشته فیلم‌های کودک اکثرا با مشارکت و حمایت دولتی ساخته می‌شد، انگیزه‌های فیلمسازان نیز با امروز متفاوت بود. هنگام پیش‌هم فیلم‌ها از حمایت دولتی برخوردار می‌شدند، اما امروز بزرگترین مشکل پیش‌روی سینمای کودک بخش فیلم‌هاست، عدم حمایت آموزش و پرورش نیز همچون گذشته باعث بروز مشکلات فراوان پیش‌روی سینمای کودک شده است. در دو سه سال اخیر وضع تولیدات سینمای کودک و نوجوان کمی بهتر و فیلم‌هایی ساخته شده که می‌توان به آنها فیلم کودک گفت، البته همچنان معضل اصلی در این زمینه بخش آنهاست.»

اما در هر حال نمی‌شود این موضوع را کتمان کرد که آن روزها برنامه‌سازان و فیلمسازان انگیزه بیشتری برای ساخت کارهای حوزه کودک داشتند. در سینما فیلم‌های ماندگاری چون «گره آوازخوان»، «گلزار»، «دزد عروسک‌ها»، «پاتال و آرزوهای کوچک» و در تلویزیون برنامه‌هایی چون «قصه‌های مجید»، «دنیای شیرین»، «دنیای شیرین دریا»، «قصه‌های تاب‌تا»، «کلاه قرمزی» و «پسر خاله و الوالو من جوجوام وجود داشت که همگی نیز خاطر ساز شدند و هنوز هم از شبکه‌های مختلف تلویزیونی بازپخش می‌شوند. شاید اگر برنامه‌های دیروز نبود، حالا کنداکتور برنامه‌های سینما خالی‌تر از این‌ها بود.

**ایران - کامبوج؛ زیر سایه یک رویداد بزرگ**

**چند توصیه به زنان تماشاگر**

**شهروند** | تیم ملی فوتبال ایران امروز در شرایطی از ساعت ۱۷ در مقدماتی جام جهانی مقابل کامبوج قرار می‌گیرد که همه چیز تحت تاثیر حضور زنان در ورزشگاه آزادی است. حدود ۲۵۰۰ بلیت به زنان فوتبال دوست فروخته شده تا آنها برای نخستین بار در ورزشگاه آزادی برای تماشای مسابقه فوتبال حضور پیدا کنند. این بار گزینشی در کار نبوده اگر چه خیلی هانسبت به کم بودن جایگاه‌های زنان در آزادی انتقاد داشتند، اما هر کسی زودتر به سایت خرید بلیت مراجعه کرد، توانست بلیت بخرد. با توجه به این‌که حضور زنان در آزادی برای نخستین بار اتفاق می‌افتد، بد نیست به برخی نکات مهم در این باره اشاره کنیم.

**بانوان چگونه وارد استادیوم شوند؟**

باهمانگی‌های انجام‌شده، ورود زنان به آزادی از پارکینگ اتوبوسرانی به شماره‌های ۱۹ و ۲۰ واقع در ضلع شرقی ورزشگاه صورت می‌گیرد. در فدراتی که با خودروی شخصی وارد می‌شوند، می‌توانند آن‌را در پارکینگ مذکور پارک کنند و برای افرادی که خودرو ندارند هم اتوبوس تهیه شده تا از بلوار شیشه‌مینا به سکوها بالای تونل ورزشگاه منتقل شوند. در مخصوص ورود بانوان از ساعت ۱۳:۳۰ باز می‌شود و توصیه شده که آنها رفتن به ورزشگاه را به ساعت‌های نزدیک به بازی موکول نکنند.

**کارت ملی فراموش نشود**

با توجه به فروش الکترونیکی بلیت، همراه داشتن کارت ملی برای زنان هم مثل مردان الزامی است. به همین دلیل فراسیون فوتبال در بیانیه‌ای اعلام کرده و رویداد ورزشگاه بدون کارت ملی امکان‌پذیر نیست.

**وسایل اضافی به همراه نیاورید**

شاید خیلی از زنان ندانند آوردن وسایلی که امکان پرتاب آنها به داخل زمین وجود دارد به ورزشگاه ممنوع است. از آنجایی که بسیاری از بانوان معمولا وسایل آرایشی، اکلدنک و برچی لوازم غیر ضروری و شخصی را همراه خود دارند، توصیه می‌شود که این وسایل را با خود به استادیوم نبرند، چرا که اجازه ورود آنها نمی‌دهند و به همین دلیل از نظر مدعی متضرر خواهند شد. نذر این اجبار می‌شوند این وسایل را بیرون از ورزشگاه‌ها کنند. همچنین بانوان می‌توانند با خود وسایلی که در آنجا استفاده می‌کنند، همراه داشتن بول نقد برای خرید، کار آنها را راحت‌تر می‌کند.

**قید تلفن همراه را بزنید**

از آنجایی که تلفن همراه در ورزشگاه به سختی آنتن می‌دهد و این‌ترت نیز خیلی سخت و کند کار می‌کند، زنان باید بدانند که کارهای ضروری و تلفنی‌شان را قبل از ورود انجام دهند و به نوعی قید استفاده از تلفن همراه در زمان بازی بزنند.

**قبل از سوت پایان ورزشگاه را ترک کنید**

اگر با خودروی شخصی به ورزشگاه رفتید و از وسایل نقلیه عمومی استفاده می‌کنید، قبل از به‌صدا در آمدن سوت پایان بازی ورزشگاه را ترک کنید تا از داخل‌کی که جلوی در ایجاب می‌شود در امان باشید.

**پولاد امین** | صحبت‌های روز گذشته رئیس موزه

هنرهای معاصر، احسان آقایی درباره اصالت آثار هنرمندان پس از چند وقتی یک بار دیگر بحث اصل یا کپی بودن شماری از آثار گرانتیمت هنری را به میان کشید. موضوعی که در سال‌های اخیر به‌خصوص بعد از این‌که یک‌سری از این آثار با قیمت‌های نجومی در حراج‌های هنری چکش خوردند، حواشی رسانته‌ای پر تعدادی را به‌وجود آورده بود.

احسان آقایی در گفت‌وگویش درباره راه‌های اثبات اصالت آثار گفته بود و البته درباره لزوم تأسیس بنیادهایی برای هنرمندان که در تمام دنیا یکی از مهمترین راه‌های تشخیص اصالت آثار هنری تاییده بنیاد آن هنرمند است. رئیس موزه هنرهای معاصر با نام بردن از بنیادهایی مانند بنیاد فریده لاشایی و محسن وزیری مقدم پیشنهاد داده بود به‌دلیل شائبه‌هایی که در سال‌های اخیر درباره نقاشی‌های سهراب سپهری به‌وجود آمده، بنیاد این هنرمند نیز تأسیس شود و حتی رضایانین را که داماد خانواده سپهری است، یکی از بهترین گزینه‌ها برای تأسیس این بنیاد نامیده بود.

در گفت‌وگوی رئیس موزه هنرهای معاصر به‌موضوعات دیگری نیز اشاره شده بود؛ از جمله نقش مرجعیت موسسات بزرگی از قبیل کریستیز، ساتتیز و پومپز در تایید اصالت آثار هنری، حواشی و کمبودهای حراج تهران، آثار موجود در گنجینه موزه هنرهای معاصر و اصالت آنها، شایعات مطرح‌شده درباره وجود آثار غیراصیل یا شبیه‌ناک هنرمندان سرشناس در بازار و... مسائلی که چه با آنها موافق یا مخالف باشیم، اما از این نظر که حکایت از مشکل جدی وجود آثار غیراصیل هنرمندان در بازار حراج‌های داخل کشور دارند، دارای اهمیتی حیاتی هستند.

**قلای‌های گران**

بحث آثار تقلبی موجود در بازار هنری کشور چند سالی است مطرح شده، موضوعی که چند بار هم باعث شده حراج‌گذاران و نزدیکان‌شان زیر سوال بروند. اما این ماجرا از بازار هنری ایران ریشه‌کن نشده و در حراج‌های بعدی هم شائبه‌هایی جدی بر آثاری که به قیمت‌های نجومی چکش خورده‌اند، وارد آمده است.

این ماجرا زمانی وارد محافل هنری ایران شد که خبر آمد یکی از سرشناس‌ترین دلان و کلکسیون‌داران آثار پیکاسو توسط پلیس فدرال آمریکا به اتهام فروش آثار تقلبی پابلو پیکاسو به جای نسخه اصلی دستگیر

**حریف امروز تیم ملی یکی از ضعیف‌ترین‌های آسیاست**

**تدارکات قبل از نبرد سخت بحرين**

حریف امروز شاگردان مارک ویلموتس تیمی از سطح سوم فوتبال آسیاست که طبیعی است حریف ملی پوشان ایران نمی‌شود. کامبوج تیمی است که در رده‌بندی فیفا جایگاه ۱۶۹ را به خود اختصاص داده است و پیش‌بینی می‌شود بردی آسان‌رادر دومین مسابقه از مقدماتی جام جهانی به دست آوریم. جالب این‌که کامبوج در رده‌بندی آسیا نیز رتبه ۳۷ را دارد و حتی از تیم‌هایی مثل افغانستان، مالدیو و نیپال نیز پایین‌تر است! همین مسائل برای این‌که بدانید حریف سختی ندارد، کافی است. به همین دلیل انتظار می‌رود تیم ملی ایران به بازی نه‌چندان حساس امروز به چشم مسابقه‌ای تدارکاتی نگاه کند و



هر کس در باشگاهش فیکس نباشد، دعوت نمی‌شود  
**ویلموتس: بازی دفاعی می‌خواهید، من نیستم!**  
 مارک ویلموتس، سرمربی بلژیکی تیم ملی در نشست خبری پیش از دیدار با کامبوج صحبت‌هایش را این‌طور آغاز کرد: «زندگی بدون ریسک اصلا معنی ندارد. وقتی تیم ۴ متر جلو می‌رود، پشت‌باز یکنان فضا به وجود می‌آید و اگر چسبیده به دفاع بازی کنید، قطعا این دو روش با هم تفاوت دارند. ما در تیم ملی بازی‌گری نفر به نفر داریم و اگر یک نفر لیز هم بخورد، من باز یکنان را تشویق می‌کنم، چون بازی

هجومی را دوست دارم. در زندگی باید خطر کرد. اگر شما از من بازی تدافعی می‌خواهید، من چنین آدمی نیستم.» او در ادامه به مسأله پرداخت نشدن حقوقش هم این‌طور واکنش نشان داد: «من یک مربی هستم. باز یکنانم و تیم ملی ایران را دوست دارم. هدف من این است که خوب بازی کنیم و برنده شویم. مطمئنا بقیه مسأله در آینده حل خواهد شد.» ویلموتس در بخش دیگری درباره تغییرات فهرست تیم ملی نیز گفت: «اگر باز یکنان در باشگاه‌شان جای نداشته باشند، طبیعتا به تیم ملی هم دعوت نمی‌شوند. هدف ما این است که هیچ‌کس مطمئن نباشد که در تیم ملی همیشه حضور دارد و این مسأله فضا را قیاتی می‌کند.»

کار تقلبی و کپی است و کدام کار اصل. متأسفانه از نام سهراب سو استفاده شد و این هنرمند نامی ایران را بدنام کردند، زیرا به هیچ‌وجه به دنبال این نیستند که جلوی کپی‌کاری از روی کارهای او را بگیرند و اتفاقا بر این آتش مدام می‌دمند. البته پروانه سپهری تنها کسی نیست که تردیدی جدی در بسیاری از آثار رایبه‌شده وارد می‌آورد...  
**پیشنهادات استادانه!**

آیدین آغداشلو، نقاش شناخته‌شده بر این باور است که به سهولت می‌توان از ارایه آثار کپی پیشگیری کرد. او پیشنهاد می‌کند مرکز برای بررسی اصالت آثار هنری تأسیس شود، «این مرکز باید با حضور کارشناسان، مرمت‌گران و صاحب‌نظران تأسیس شود و مجهز به ابزار آزمایشگاهی و دانش روز باشد.» به باور آغداشلو «انجمن‌های صنفی نیز ظرفیت بالایی برای بررسی اصالت آثار دارند.» او در ادامه ابزار امیدواری می‌کند: «با این تمهیدات دیگر شاهد نباشیم هر کس بر اساس خوابی که دیده، اعلام کند فلان اثر کپی است، چنین ادعاهای غیر حرفه‌ای به هنرهای تجسمی آسیب زیادی می‌زند.»

**چه باید کرد؟**

لیلی گلستان از مهمترین گالری‌داران این سرزمین است. مدیر گالری گلستان که او نیز باور دارد می‌تواند از ارایه آثار تقلبی جلوگیری کرد: «من سال‌ها پیش پیشنهاد دادم دستگاهی را بخرند که تقلب در آثار هنری را مشخص می‌کند. مانند آثار سهراب سپهری و فریده لاشایی که این روزها خیلی از روی آنها تقلب می‌شود.» گلستان برای تشخیص اصالت اثر پیشنهاد می‌کند که «هی‌شود واحدی برای آثار پیشکسوت‌ها و هنرمندان صاحب‌نام که از روی‌شان تقلب می‌شود، ایجاد کرد. دستگاهی که گفتم می‌تواند لاف‌لاز تقلب آثار افرادی مانند بهجت صدر، فریده لاشایی و محمد احصایی جلوگیری کند؛ آن دستگاه باید خریداری شود.» اما نقش گالری‌دارها در این میان چیست؟ مدیر گالری گلستان می‌گوید: «گالری‌دارها با مشاوره فقط می‌توانند از این‌که کار مبتدل روی دیوارشان نرود، جلوگیری کنند؛ مشاور از کجا متوجه شود کار کپی است؟ مگر این‌که اثر مورد نظر از کار هنرمند مهمی کپی شده باشد. اما اگر اثر یک نقاش نروژی که در روستا کار می‌کند، کپی شود، از کجا متوجه شویم؟ ما که او را نمی‌شناسیم. چه کسی کار همه نقاش‌های دنیا را دیده که بفهمد کار کپی است؟...»

**یک بار دیگر بحث شیرین پول و سودجویی و هنرمندانی که اعتبارشان قربانی می‌شود**

**نقاشی‌های تقلبی با قیمت‌های میلیاردی!**



شده است. این یک رسوایی بزرگ بود، به‌خصوص که تقریبا هم‌زمان شده بود با نمایشگاهی که گالری ملی شهر لندن از آثار تقلبی بوتیچلی، رامبرانت و هولبین برگزار کرد و هنر جعل و کشف آن‌را در مقیاسی گسترده مورد بررسی قرار داد. بعد هم باندی کشف شد که تابلوهای نقاشی هنرمندان مشهور را در کارگاه زیرزمینی خود کپی کرده بودند و به قیمت بسیار گزاف می‌فروختند.

**دومینوی فارسی**

در ایران این ماجرا البته چندان جدی نبود. اما وقتی با افزایش نقدینگی پای خریدارانی با میلیاردها تومان پول نقد به بازار هنر باز شد، پتانسیل پنهان این بازار برای خیلی‌ها روشن شد. موضوعی که باعث شد عده‌ای قصد کنند به هر راهی از این نمک کلاهی برای خود دست‌وپا کنند و چنین شد که آثار تقلبی پر تعدادی عرضه شد که برخی با قیمت‌های نجومی هم به‌فروش رفتند... در گزارش‌هایی که تاکنون رسانه‌ها در این مورد منتشر کرده‌اند، گفته شده قیمت میلیاردری آثار سهراب سپهری باعث شده این شاعر- نقاش نوگرا